

حضرت رسالت را صلی الله علیه وسلم در خواب دیدم که گفت یا رسول الله
 صحنه شما و خصوصیتها که از امت تو بمن رسید فرمود که بر ایشان عاف
 کن گفتند و نه امر بهتر از ایشان عوض ده دید ترا زمین بر ایشان نگاه
 در همان ایام شنیدم **از آنجا که** که از امیر المومنین حسین
 رضی الله عنه روایت گشتند که چون حضرت امیر کرم الله وجهه و عاف
 یافت شنیدم که قایلی میگوید که بیرون رود و این بنده خدمت ابر
 با ما که ازید رفتیم از درون خانه او از آنکه که محمد علیه السلام در
 گذشت و وصی او شنیدند نگاهبانی امت که تواند کرد و دیگری گفت
 هر که سیرت ایشان در زد و پی روی ایشان گشت چون او از رسالت
 شد در اندریم و بر غسل کرده و در کفن پیچیده یافتیم بر دیوار کنار کوفه
 و دفن کردیم **از آنجا که** که امیر المومنین حسین و حسین رضی الله
 عنهما وصیت کرده بود که چون میرم مرا بر سر بنید و بیرون بر روی ایشان
 رسانند که اینجا سنگی سفید خواهد یافت که از آن نور درخشان باشد
 آنرا بکنید که در اینجا گشت که خواهد یافت مراد آنجا دفن گشتند
 که موضعی قبر و بر این زمین هموار کرده بودند

ساخته روزی

ساخته روزی عمارون الرشید شکار گمان را حجت غنیم
 رسید اموان بنای بغیرین بردند بر چند حج و بر ایشان انیمتند
 و سگان بر ایشان سردا و باز گشتند بر سر ایشان و زیاده
 بعضی از پسران غنیم را از سر آن رسیدند گفتند از پسران
 چنین بار سیده است که قبر امیر المومنین علی رضی الله عنه اینجا است
 با وون الرشید آنرا قبول کرد و تا زنده بود و هر سال بر زیارت می
از آنجا که که **مکتوبات خانان از نو محمد بن** امام شافعی
 رحمه الله در کتاب و لایله النبوه از فرانس بن سمر و رضی الله
 عنه آورده است که ویرادر عهد رسول صلی الله علیه وسلم
 پوست میان دو چشم و بر ابرو گفت از موضع اصابع و می یجا
 بر رست چون موی خارشیت و آن در دوسر از وی بر رفت
 در آن روز که خواجه بر امیر المومنین علی رضی الله عنه
 خبر روج کردند فریسن نیز با ایشان مواظت کرد این موی
 از ایشان وی بر حجت فرانس اخروی عظم سید است و بر گفتند
 این سبب آن است که رضی الله عنه خروج کردی تو توه کرد

صدای عمار رشید و علی بن ابی طالب